



ازدواج‌هایی که رنگ جوانی نمی‌بینند/تعویق ازدواج؛ تمایل باعدم امکان

آمارها افزایش سن ازدواج را نشان می‌دهد، برخی معتقدند این لزوماً به معنی بحران نیست و برخی با اشاره به آسیبه‌ها بر لزوم اقدامات فرهنگی و اقتصادی برای کاهش فاصله بلوغ تا ازدواج تاکید دارند.

آمارها افزایش سن ازدواج را نشان می‌دهد، برخی معتقدند این لزوماً به معنی بحران نیست و برخی با اشاره به آسیبه‌ها بر لزوم اقدامات فرهنگی و اقتصادی برای کاهش فاصله بلوغ تا ازدواج تاکید دارند.

خبرگزاری مهر - گروه جامعه؛ علیرضا نائینی: در مسئله ازدواج و تشکیل خانواده مسائل زیاد و به هم‌تنیده‌ای دخالت دارند. مهم این است که نقش هر یک از این مسائل و چگونگی اثرگذاری آن‌ها بر روی یکدیگر به درستی روشن شود، تا فضا برای تحلیل، برنامه‌ریزی و عمل روشن باشد و از ابهامات کاسته شود. این که کدام عامل نقش کلیدی‌تری نسبت به عوامل دیگر دارد، کدام عامل از فراوانی بیش‌تری برخوردار است، کدام عامل گستره بیشتری دارد، کدام عامل رشد فزاینده‌تری دارد و رفع و حل کدام عامل در کوتاه‌مدت و کدام‌یک در بلندمدت ممکن است، سوالاتی است که باید به طور دقیق در یک تحلیل جامع از وضعیت موجود خانواده پاسخ داده شوند.

ازدواج خوب؛ زندگی خوب و ازدواج بد؛ زندگی بد

بررسی‌ها نشان می‌دهد؛ بخش عمده‌ای از آسیب‌های خانواده ریشه در «شیوه و سبک ازدواج» دارد. ازدواج بد می‌تواند زمینه‌ساز زندگی بد باشد، همانطوری که ازدواج خوب می‌تواند زمینه‌ساز زندگی خوب باشد. البته باید توجه داشت، گزاره «ازدواج خوب زمینه‌ساز زندگی خوب و ازدواج بد زمینه‌ساز زندگی بد» به معنای محتوم بودن یک زندگی بد در پی یک ازدواج بد نیست، چراکه ایجاد سازگاری‌های بعدی، هرچند سخت و دشوار، اما ممکن است. مقصود ما اشاره به واقعیتی است که می‌تواند مقدمه و زمینه‌ساز رضایت یا نارضایتی‌های بعدی باشد.

کارشناسان برای یک ازدواج خوب شاخص‌های متعددی را ذکر می‌کنند که از آن جمله «ازدواج بهنگام» یعنی ازدواج در سن مناسب ازدواج است. امیدعلی احمدی، جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد؛ «سن مناسب ازدواج» را سن یا حدودی از سن می‌داند که جوانان یک جامعه به طور متوسط دارای حداقل شرایط جسمی، روحی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای ازدواج باشند. با توجه به این تعریف، سن مناسب برای ازدواج، دارای ابعاد مختلفی است که متاثر از عوامل گوناگون قابل تغییر است.

در آموزه‌های اسلامی نیز که بر ازدواج به عنوان مایه آرامش و مودت و رحمت تاکید شده است (سوره الروم: ۲۱) و به زمان مناسب برای ازدواج تحت عنوان «بلوغ نکاح» توجه شده است (سوره النساء: ۶). علامه طبرسی، صاحب تفسیر مجمع البیان؛ بلوغ نکاح را مرحله‌ای از «رشد و کمال» جسمی و روحی می‌داند که زمینه‌ساز تشکیل خانواده باشد و فرد بالغ از عهده وظایف خانوادگی برآید. شهید مطهری در کتاب «امدادهای غیبی در زندگی بشر» در توضیح معنای «رشد» می‌گوید: «در فقه و سنت اسلامی محرز و مسلم است که برای ازدواج، تنها عقل و بلوغ کافی نیست؛ یعنی یک پسر به صرف آن که عاقل و بالغ است نمی‌تواند با دختری ازدواج کند. هم‌چنان که برای دختر نیز عاقله بودن و رسیدن به سن بلوغ دلیل کافی برای ازدواج نیست. علاوه بر بلوغ و علاوه بر عقل، رشد لازم است. منظور (از رشد در مورد ازدواج) تنها رشد جسمانی نیست، منظور این است که رشد فکری و روحی داشته باشند؛ یعنی بفهمند که ازدواج یعنی چه، تشکیل کانون خانوادگی یعنی چه، عاقبت این بله گفتن چیست، باید بفهمد این بله که می‌گوید، چه تعهدهایی و چه مسئولیت‌هایی به عهده‌ی او می‌گذارد و باید از انجام این مسئولیت‌ها برآید.»

پیامدهای ازدواج در پسا جوانی

از آن چه گفته شد روشن می‌شود؛ ازدواج یک امر زمان‌مند است و ظرف زمانی مناسب خودش را دارد. بنابراین اگر ازدواج به تأخیر بیفتد یعنی در زمان مناسب خودش واقع نشود، می‌تواند آسیب‌هایی را به همراه داشته باشد. این آسیب‌ها؛ هم ازدواجی را که از سنین جوانی بی‌بهره مانده تحت الشعاع قرار می‌دهد و هم جوانی را که در سنین مناسب ازدواج، مجرد مانده است. علی احمدی در پژوهش «تنگنا و تأخیر ازدواج»؛ آثار و تبعات تأخیر ازدواج را به تفکیک آثار فردی و اجتماعی بررسی نموده است که در جدول زیر قابل مشاهده است:

نرخ ازدواج در ایام جوانی

تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی وجود دارد که گسترش تأخیر ازدواج در جوانان ایرانی را نشان می‌دهد. شاخص کمی مورد استناد در این تحقیقات عمدتاً، شاخص «میانگین سن ازدواج»، شاخص «توزیع سنی زوجین در زمان ازدواج» و در برخی از تحقیقات شاخص «نرخ ازدواج» است. شاخص میانگین سن ازدواج که از معدل گروه‌های سنی مختلف با توجه به فراوانی ازدواج صورت گرفته در آن‌ها به دست می‌آید، در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۴ افزایش چشم‌گیری داشته است. توزیع سنی زوجین در زمان ازدواج نیز نشان دهنده افزایش ازدواج در گروه‌های سنی بالاتر و افزایش ازدواج در سنین بالاتر از سن متعارف ازدواج است. نرخ ازدواج نیز اگرچه از سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۹ همواره رشد مثبت را تجربه کرده است، اما از سال ۱۳۸۹ روند

نزولی گرفته و رو به کاهش بوده است.

آخرین آمار مربوط به وضعیت ازدواج جوانان بر پایه داده‌های منتشر شده از سوی سازمان ثبت احوال کشور در دی‌ماه ۱۳۹۴ در جدول زیر قابل مشاهده است:

در مقابل این تحقیقات و پژوهش‌های فراوان، برخی از کارشناسان و به ویژه جمعیت‌شناسان معتقدند؛ آمار و داده‌های خام ازدواج، تصویری روشن و مطابق واقع از وضعیت ازدواج جوانان نشان نمی‌دهد. از نظر این کارشناسان؛ افزایش میانگین سن ازدواج و کاهش نرخ ازدواج در سال‌های اخیر، لزوماً به معنای بحران تأخیر یا تعطیل ازدواج نیست. چراکه تغییرات در ساختار جمعیت جوان کشور تأثیرات زیادی بر آمار میانگین سن ازدواج و کاهش نرخ ازدواج داشته است. به بیان دیگر؛ تغییرات ساختار سنی جمعیت را می‌توان علت کاهش نرخ ازدواج در کشور و افزایش میانگین سن ازدواج دانست. داده‌های مربوط به سازمان ثبت احوال کشور در خصوص کاهش ۴ درصدی سهم جمعیت جوان کشور (۱۵ تا ۲۹ سال) در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ نیز تاییدی بر این مدعا است. بر اساس دو سرشماری انجام شده در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، جمعیت جوان کشور از ۳۵.۴ درصد کل جمعیت به ۳۱.۵ درصد کاهش یافته است. همچنین آمار نسبت جمعیت هرگز ازدواج نکرده به جمعیت جوان کشور (۲۹ تا ۳۴ ساله) نشان دهنده کاهش این نسبت از سال ۱۳۸۰ به این طرف است.

شهلا کاظمی پور؛ جمعیت‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران می‌گوید: تعداد ازدواج‌ها در ایران در دهه ۱۳۸۰؛ یعنی با رسیدن متولدین دهه ۱۳۶۰ به سنین ازدواج، سال به سال با افزایش همراه بوده، اما طی سال‌های اخیر تعداد ازدواج‌ها رو به کاهش گذاشته است. بسیاری معتقدند تعداد ازدواج در ایران رو به کاهش است، پس دچار مشکل هستیم و جوانان تمایلی به ازدواج ندارند؛ در حالی که این استنباط، استنباط درستی نیست. به دلیل این‌که اولاً میزان ازدواج بالا رفته است؛ یعنی تعداد ازدواج‌هایی که در مقابل هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت کشور اتفاق می‌افتد، در حد بالایی (حدود ۱۶ در هزار) قرار دارد. ثانیاً در تحلیل چرایی کاهش تعداد ازدواج‌ها باید گفت تعداد جوانان در معرض ازدواج کاهش یافته‌اند. در حال حاضر متولدین دهه ۷۰ به سن ازدواج رسیده‌اند و باروری در دهه ۷۰ نسبت به دهه ۶۰ کاهش داشته است؛ لذا جمعیت در معرض ازدواج رو به کاهش است و به تبع آن تعداد ازدواج‌ها هم کاهش خواهد یافت. بنابراین با مشکلی به نام کاهش میزان ازدواج یا افزایش سن ازدواج مواجه نیستیم.

به هر روی اگرچه ممکن است برخی از کارشناسان در عمومیت و فراگیری مسئله تأخیر ازدواج تردید کنند و آن را به عنوان یک بحران اجتماعی نپذیرند؛ اما وجود آن را در بخش زیادی از جوانان انکار نمی‌کنند. کاظمی پور معتقد است؛ میانگین سن ازدواج در ایران افزایش یافته است و این البته منحصر به ایران نیست و در اکثر جوامع به همراه توسعه شهرنشینی، افزایش سواد و تحصیلات، افزایش اشتغال زنان و توسعه اقتصادی و وسایل ارتباط جمعی، سن ازدواج بالا رفته است.

فاصله بلوغ جنسی تا ازدواج به بیش از ۱۴ سال رسیده است

به نظر می‌رسد آن چه مسئله تأخیر ازدواج را به یک دغدغه جدی در میان بسیاری از کارشناسان و به ویژه روان‌شناسان تبدیل کرده است، پایین آمدن سن بلوغ جنسی و افزایش آگاهی‌های به نظر می‌رسد آن چه مسئله تأخیر ازدواج را به یک دغدغه جدی در میان بسیاری از کارشناسان و به ویژه روان‌شناسان تبدیل کرده است، پایین آمدن سن بلوغ جنسی و افزایش آگاهی‌های جنسی نوجوانان و جوانان در سنین پایین استجسی نوجوانان و جوانان در سنین پایین است. پیش از این غلامعلی افروز؛ روان‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، از کاهش سن بلوغ جنسی در ایران از ۱۶ به ۱۲ سال برای پسران و از ۱۴ به ۱۰ سال برای دختران خبر داده بود. سیدحسین موسوی چلک؛ رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران، نیز دلیل کاهش سن بلوغ جنسی در ایران را تغییرات در حوزه بهداشت و تغذیه و گسترش رسانه‌ها عنوان کرده است.

پایین آمدن سن بلوغ جنسی در کنار افزایش میانگین سن ازدواج جوانان بیان‌گر افزایش فاصله بلوغ جنسی تا ازدواج به بیش از ۱۴ سال است. از منظر روان‌شناسی، مجرد طولانی مدت ریشه بسیاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی است که پیش‌تر به بخشی از آن اشاره کردیم.

هاشم مهدوی؛ روان‌شناس بالینی و آسیب‌شناس اجتماعی، نیاز جنسی را دارای ماهیتی زیستی، روانی و اجتماعی می‌داند که در صورت ازدواج از طریق درست ارضا می‌شود و در خدمت فرد و جامعه انسانی قرار می‌گیرد و در غیر این‌صورت به افزایش بی‌بند و باری، بزهکاری و عصبیت اجتماعی میانجامد. وی در این باره توضیح می‌دهد: هنگامی که انگیزه‌های قوی نظیر شهوت، تولیدمثل، استقلال زیستی و تشکیل خانواده به وسیله موانع غیرقابل قبول یا موانعی که فرد برای رفع آن‌ها ناتوان است، سرکوب شوند یا معطل بمانند احساس ناکامی رخ می‌دهد. احساس ناکامی یکی از الگوهای قدرتمند رفتاری هنجاری، ارزشی و نگرشی است که شخصیت و هویت فرد را زیر سلطه می‌گیرد و با گذشت زمان قویتر می‌شود. این احساس به تدریج در تمامی ابعاد وجودی فرد ناکام تسری می‌یابد و به اندیشه بزهکاری و ایجاد بسترهای جرم‌زای وی میانجامد. به علاوه نیروی مهارگسیخته شهوانی، فرد را به اعمال غیراخلاقی سوق می‌دهد که ریشه در افزایش فاصله بلوغ تا تاهل دارد. از سوی دیگر افزایش سن ازدواج و عدم ارضای جنسی به موقع، شکل‌گیری عقده‌های روانی و انباشت آن‌ها در شخصیت فرد را به دنبال دارد. ارضای جنسی امنیت و آرامش روانی را موجب می‌شود و بدون آن عصبیت‌های روحی، طغیان‌گری، احساس پوچی و حتی میل به خودکشی مجال بروز می‌یابند. روابط نامشروع پیش از ازدواج نیز نه تنها به ارضای کامل و جامع منجر نمی‌شوند بلکه چون همواره با احساس گناه و غیراخلاقی بودن همراه است بر میزان عصبیت‌ها می‌افزاید.

تعویق ازدواج؛ تمایل یا عدم امکان

این سوال که «چرا ازدواج جوانان به تأخیر می‌افتد» را می‌توان از دو منظر مورد بررسی و کنکاش قرار داد. منظر اول مسئله تمایل و منظر دوم مسئله امکان است. در واقع باید میان تمایل یا مطلوبیت ازدواج و امکان ازدواج تفکیک قائل شویم. جوانانی که در سنین مناسب ازدواج تمایلی به ازدواج ندارند و جوانانی که اگرچه تمایل به ازدواج هستند، اما امکان ازدواج را پیدا نمی‌کنند، باید میان تمایل یا مطلوبیت ازدواج و امکان ازدواج تفکیک قائل شویم. جوانانی که در سنین مناسب ازدواج تمایلی به ازدواج ندارند و جوانانی که اگرچه تمایل به ازدواج هستند، اما امکان ازدواج را پیدا نمی‌کنند.

علی احمدی در پژوهش «تنگنا و تأخیر ازدواج» با جمع بندی ۶ پژوهش انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که میزان تمایل به ازدواج در جوانان بالا بوده و آنها ازدواج را ضروری می‌دانسته‌اند، به طور جدی برای آن اقدام کرده‌اند و یا در این راه شکست خورده‌اند. بر اساس این پژوهش، درصد کسانی که تمایلی به ازدواج ندارند، در جمعیت‌های بررسی شده کمتر از ۲۰ درصد بوده است. وی معتقد است؛ وجود میزان بالای تمایل به ازدواج، در نظر داشتن فردی برای ازدواج و یا بالاتر از آن اقدام کردن برای ازدواج، نشان‌دهنده وجود فاصله قابل ملاحظه بین هدف (ازدواج) و امکان عملی رسیدن به آن است.

علی احمدی می‌گوید: عدم تمایل به معنای عدم مطلوبیت ازدواج برای یک جوان را باید متأثر از مجموعه‌ای از علل و عوامل دانست که موجب تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌ها و در نهایت تغییر در سبک زندگی جوانان شده است. گسترش سبک زندگی غربی تحت تاثیر فرایند نوین‌سازی (مدرنیزاسیون) موجب شده جوانان عقلانی‌تر و رفاه‌طلب‌تر شده، فردگرایی و گریز از پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی به بخشی از ویژگی‌های جوان امروز تبدیل شوند.

واقعیت این است که انگیزه جوانان در جهت ارضای نیاز جنسی، نقش مهمی در تمایل آنها به ازدواج دارد.

شیرین احمدنیا؛ جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی معتقد است: ارضای نیاز جنسی، اولین هدف جوانان از ازدواج است. بنابراین می‌توان گفت؛ فراهم بودن زمینه ارضای نامشروع نیازهای جنسی و آلوده شدن جامعه به لذت جویی‌های جنسی نقش مهمی در کاهش تمایل جوانان به ازدواج دارد.

در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندان‌بان به شمار می‌رود و در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود. علت این که جوانان امروز از ازدواج گریزانند، همین است استاد مطهری در کتاب «مسئله حجاب»، در این خصوص می‌نویسد: «اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد. فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود؛ در حالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندان‌بان به شمار می‌رود و در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود. علت این که جوانان امروز از ازدواج گریزانند، همین است. معاشرت‌های آزاد و بی‌بند و بار پسران و دختران، ازدواج را به صورت یک وظیفه و تکلیف و محدودیت درآورده است که باید آن را با توصیه‌های اخلاقی بر جوانان تحمیل کرد. سیستم روابط آزاد اولاً موجب می‌شود که پسران تا جایی که ممکن است از ازدواج و تشکیل خانواده سرباز زنند و فقط هنگامی که نیروهای جوانی و شور و نشاط آنها رو به ضعف و سستی می‌نهد اقدام به ازدواج کنند و در این موقع زن را فقط برای فرزند زادن بخواهند و ثانیاً پیوند ازدواج‌های موجود را سست می‌کند و سبب می‌شود به جای این که خانواده بر پایه یک عشق خالص و محبت عمیق استوار باشد و هر یک از زن و شوهر، همسر خود را عامل سعادت خود بدانند، برعکس به چشم رقیب و عامل سلب آزادی و محدودیت ببینند».

در بیان علل تأخیر ازدواج جوانان از منظر امکان آن، دلایل متعددی از جانب کارشناسان مطرح شده است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

الف) تغییر نگرش‌ها نسبت به ازدواج و خانواده

مقصود از نگرش، مجموعه‌ای از باورهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است که در کنار یکدیگر، تصویری از امکان یا عدم امکان ازدواج را برای جوان می‌سازد. در واقع آن چیزی که به صورت روشن و مستقیم در امکان یا عدم امکان ازدواج برای جوانان دخالت دارد؛ مجموعه‌ای از شرایط اجتماعی و اقتصادی است نه باورها و نگرش‌ها. اما باورها نقش مهمی در ضریب دادن به این شرایط را ایفا می‌کنند. اختلاف باورها در طبقات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مختلف موجب می‌شود، ازدواجی که برای یک جوان در یک طبقه خاص غیرممکن فرض می‌شود، در طبقه دیگر ممکن و دست‌یافتنی باشد. این واقعیت را نمی‌توان منکر شد که در جامعه ما بخش قابل توجهی از جوانان با تکیه و اعتماد بر آموزه‌های فرهنگی و دینی اسلام، علیرغم این که بسیاری از شرایط اجتماعی و اقتصادی برایشان فراهم نیست، اقدام به ازدواج می‌کنند و ازدواج‌شان را به تأخیر نمی‌اندازند و البته در زندگی مشترک موفق هم هستند. در واقع این بخش از جوانان، به تأسی از قرآن کریم که می‌فرماید: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (النور: ۳۲)؛ فقر و نداری را مانع ازدواج نمی‌بینند. و در مقابل این واقعیت را نمی‌توان منکر شد که بخش دیگری از جوانان با وجود فراهم بودن شرایط نسبی اجتماعی و اقتصادی برای ازدواج، به دلیل باورهایی که ازدواج را سخت و پیچیده می‌کند، حاضر به ازدواج نیستند و آن را به تأخیر می‌اندازند.

از توضیحات بالا روشن می‌شود که امکان‌پذیری ازدواج یک امر نسبی است که با توجه به نگره فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قابل تعریف خواهد بود. در واقع اختلاف بر سر تعریف ما از «آمادگی» برای ازدواج است. در حالی که اکثر آموزه‌های دینی به ازدواج به عنوان شاخص انتقال از دوره ناپختگی و خامی به دوره تکامل فردی می‌نگرد، باورهای عمومی که گاهی توسط مشاوران ازدواج نیز تقویت می‌شود، بر بلوغ حداکثری و تکامل اقتصادی و اجتماعی پیش از ازدواج تأکید دارند. پژوهش‌های

متفاوت نیز این مطلب را تایید می‌کند. نتایج «بررسی وضعیت جمعیتی و اقتصادی- اجتماعی جوانان در ایران» که توسط گروه جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران انجام گرفته است، نشان می‌دهد: حدود ۹۰ درصد جوانان معتقدند موقعیت ایده‌آل ازدواج برای پسران، بعد از اشتغال به کار و دارا بودن شرایط مالی مناسب می‌باشد. همچنین حدود نیمی از جوانان پاسخ‌گو مناسب‌ترین موقعیت ازدواج برای دختران را بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی و کسب استقلال اقتصادی بیان کرده‌اند که در واقع بیان‌گر نوعی تغییر ارزش و نگرش در جامعه است.

یکی از عواملی که در تغییر نگرش جوانان نسبت به ازدواج و خانواده اثرگذار است، تصویری است که جامعه رسانه‌ای و اخبار مربوط به فروپاشی خانواده‌ها و زندگی‌های ناموفق پیش روی جوان می‌گذارد عامل دیگری که در تغییر نگرش جوانان نسبت به ازدواج و خانواده اثرگذار است، تصویری است که جامعه رسانه‌ای و اخبار مربوط به فروپاشی خانواده‌ها و زندگی‌های ناموفق پیش روی جوان می‌گذارد. البته این تصویر با مشاهده ازدواج ناموفق اطرافیان و عدم رضایت‌شان از زندگی مشترک تقویت می‌شود که در نهایت «فوبیا یا هراس بیمارگونه از ازدواج» را موجب می‌شود. ترس از ازدواج سبب می‌شود فردی که می‌خواهد در خصوص ازدواج تصمیم بگیرد دچار نگرانی و تشویش شده و با احتیاط و نگرانی و در بسیاری موارد با تأخیر، اقدام به ازدواج بنماید. به همان میزان تصویر روشن و امیدوارکننده، افراد را تشویق به ازدواج و تشکیل خانواده می‌کند.

ب) تحصیلات دختران

در سال‌های اخیر، ادامه تحصیل به ویژه برای دختران، به عاملی مهم، در کنار ازدواج، برای ارتقای اجتماعی یا تحرک اجتماعی بدل شده است. روند افزایش دانشجویان دختر نسبت به پسر در طی سال‌های اخیر چشم‌گیر بوده است. مطابق اطلاعات منتشر شده از سوی سازمان سنجش کشور در کنکور سال ۱۳۹۴؛ از مجموع ثبت نام کنندگان در آزمون کنکور؛ ۵۹ درصد زنان و ۴۱ درصد مردان بوده‌اند.

نتایج بررسی‌ها در ایران نشان می‌دهد؛ صرفاً گرایش به تحصیلات، ۲ تا ۳ سال منجر به افزایش میانگین سن ازدواج می‌شود. پیش از این، محمدتقی حسن زاده؛ رئیس سابق مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان، از نتایج پژوهشی (۱۳۹۲) گفته بود که در آن ۳۷.۴ درصد دختران مجرد؛ ادامه تحصیل را مهم‌ترین دلیل خود برای ازدواج نکردن عنوان کرده بودند. این پژوهش بر روی ۸۰۰ نفر از جوانان تهرانی در رده سنی ۱۸ تا ۴۰ سال انجام شده بود. در پژوهش دیگری که توسط دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۹۱) صورت گرفته بود؛ ۲۱ درصد از دختران مهم‌ترین دلیل مجرد خود را ادامه تحصیل عنوان کرده بودند. این پژوهش بر روی ۱۲۰۰ نفر از دختران مجرد ۵ شهر تهران، ساری، خرم‌آباد، مشهد و سمنان در رده سنی ۲۵ تا ۴۴ ساله انجام شده بود.

دلایل تأخیر ازدواج در جوانان تحصیل کرده را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

- افزایش سطح سواد نیاز به زمان بیشتری دارد که خود موجب تأخیر سن ازدواج می‌شود.
- وجود این باور که: «دختران و پسران در حال تحصیل از آمادگی‌های اقتصادی و اجتماعی لازم برای ازدواج برخوردار نیستند».
- افراد تحصیل کرده عموماً به جهت مشکل‌پسندی و تأکید بر همسانی از جهت تحصیلات، در مسأله انتخاب همسر با مشکل روبرو می‌شوند.
- دانشجویان در حال تحصیل و علاقه‌مند به تحصیلات عالی، عمدتاً نسبت به وضعیت آینده تحصیلی خود و امکان ادامه آن در صورت ازدواج، با ترس و ابهام مواجه هستند.
- الگوی رایج آموزش زنان که معطوف به اشتغال است، با ناسازگاری انتظارات زنان تحصیل کرده با مسئولیت‌ها و نقش‌هایی مواجه می‌شود که آن‌ها به طور سنتی در خانواده برعهده داشته‌اند.

ج) فقدان دسترسی به فرد مورد علاقه

علی احمدی در پژوهش «تنگنا و تأخیر ازدواج» با مطالعه پژوهش‌های مختلف چنین نتیجه‌گیری می‌کند که یکی از مهم‌ترین علت‌های تأخیر ازدواج - به ویژه از منظر دختران - فقدان دسترسی به فرد مورد علاقه است. این پژوهش‌ها نشان می‌دهد؛ اگرچه دختران و پسران، سن ۲۰ تا ۲۵ سالگی را سن مناسب ازدواج می‌دانند، اما مهم‌ترین علت به تعویق انداختن آن را نیافتن فرد مورد علاقه دانسته‌اند.

دقت لازم در گزینش همسر مناسب و توجه به ویژگی‌های اخلاقی، رفتاری، معنوی و ظاهری او امری ضروری و سرنوشت ساز است. البته این کار نباید از حد متعادل و سودمند آن، خارج شود و به وسواس در انتخاب همسر مناسب بینجامد. داشتن معیارهای دست نیافتنی و ناممکن، به دنبال فرد ایده‌آل یا همسری رؤیایی بودن، سخت‌گیری‌های بی‌مورد و نابجا، تردیدها و حساسیت‌ها، احساس ناامنی کردن و آمادگی نداشتن برای گزینش شریک زندگی، همگی عواملی هستند که ازدواج را به تأخیر می‌اندازد.

د) مشکلات اقتصادی

مشکلات اقتصادی نقش مهمی در تأخیر ازدواج جوانان دارند و به عنوان یک مانع مهم بر سر راه ازدواج جوانان عمل می‌کند. بخشی از مشکلات اقتصادی مربوط به تأمین هزینه‌های ازدواج و شروع زندگی مشترک است. بررسی‌های گروه پژوهشی آسیب‌های اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی نشان می‌دهد؛ هزینه‌های ازدواج تأثیر مستقیمی بر افزایش سن ازدواج دارد. کارشناسان اجتماعی معتقدند مردان مجرد بیش از دختران جوان نگران تأمین هزینه‌های ازدواج هستند و ترس آنان از هزینه‌های سنگین شکل‌گیری یک زندگی مشترک مانع اصلی تمایل آن‌ها به داشتن یک زندگی مشترک است. هزینه‌های

ازدواج در شهرهای بزرگ همچون تهران بیش از سایر نقاط است. در پژوهش میدانی ما از هزینه‌های ازدواج در شهر تهران مشخص شد که هزینه حداقلی ازدواج در شهر تهران بیش از ۴۰ میلیون تومان خواهد بود. جزئیات این هزینه در جدول زیر قابل مشاهده است:

بخش دیگر از مشکلات اقتصادی ازدواج به تامین هزینه‌های جاری زندگی مشترک بر می‌گردد. در پژوهش «همه‌گیرشناسی و گونه‌شناسی طلاق و عوامل آن در شهر تهران» که توسط شهرداری تهران بر روی ۱۲۰۰ نفر از زنان متأهل شهر تهران انجام شده بود؛ نزدیک به ۳۸ درصد از پاسخگویان مهم‌ترین مشکلات خانواده امروزی را در سه مقوله: مسئله اقتصادی و مالی، توقعات زیاد و چشم و هم‌چشمی و بیکاری دانسته‌اند. تحقیقات گروه پژوهشی آسیب‌های اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی نیز نشان می‌دهد که افزایش بی‌رویه هزینه‌های زندگی یکی از اصلی‌ترین عوامل کاهش تمایل جوانان در آستانه ازدواج محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد؛ آن‌چه در کنار عوامل اقتصادی، از جایگاه مهمی برخوردار است باورها و نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی جوانان است. در واقع اختلاف، به باور جوانان از حداقل‌های لازم و کافی برای زندگی مشترک بر می‌گردد. در واقع بخش عمده‌ای از این مشکلات نسبی بوده و با توجه به سطح انتظار فرد از زندگی می‌تواند تعیین کننده تشخیص فرد از این مشکلات باشد.

چه باید کرد؟

پاسخ به دو سوال اساسی، راهبرد ما در مواجهه با مسأله تأخیر ازدواج را روشن می‌کند: یکی ضرورت و اولویت‌دار بودن هریک از اجزای مسأله تأخیر ازدواج نسبت به اجزای دیگر است. و دیگری امکان عمل و تغییر مثبت در صورت دخالت دولت و نهادهای مردمی در کوتاه مدت و میان مدت.

اولویت‌سنجی

از منظر فراوانی، جوانان در سنین ازدواج که تمایل به ازدواج دارند ولی از امکان ازدواج برخوردار نیستند و یا نیازمند خدمات مشاوره و آموزش هستند، طیف اکثریت را تشکیل می‌دهند. در واقع می‌توان گفت طیف وسیعی از جوانان کماکان مشتری بالفعل ازدواج هستند. لذا اولویت ایجاد می‌کند: اولاً با در نظر گرفتن جوانان متمایل به ازدواج و فراهم کردن امکان ازدواج برای آنها نرخ کمی ازدواج را گسترش دهیم، ثانیاً با در نظر گرفتن جوانان در شرف ازدواج و فراهم کردن خدمات مشاوره و آموزش برای آنها نرخ کیفی ازدواج را گسترش دهیم.

امکان‌سنجی

از جهت امکان‌سنجی به اعتقاد برخی کارشناسان، در پاره‌ای از علت‌های افزایش سن ازدواج که ناشی از سیاست‌ها و اولویت‌های برنامه‌ریزی یا ناکارآمدی سیاست‌های دولت است، دخالت دولت در اصلاح شرایط می‌تواند در میان مدت نتیجه‌بخش باشد. از جمله این عوامل می‌توان به بالارفتن قیمت مسکن، کمبود مسکن، میزان اشتغال و بیکاری اشاره کرد. ولی در مورد عواملی که دولت در ایجاد آن‌ها نقش مستقیم نداشته است، دخالت دولت نیز تغییری ایجاد نخواهد کرد مگر به صورت کلان و در بلندمدت و تنها با شیوه‌های فرهنگی. از جمله این عوامل می‌توان به اهداف زندگی و نگاه فلسفی به آن اشاره کرد. بنابراین دولت قادر نیست به صورت مستقیم و فرمایشی، نسبت ازدواج‌ها را در کشور بالا ببرد یا افراد را مجبور به ازدواج کند، ولی با درک مشکلات عملی و مسائل واقعی گروه‌هایی از جوانان که مایل به ازدواج‌اند، اما قادر به آن نیستند، می‌تواند آنها را در اقدام به ازدواج یاری کند.